

بقلم: آقای عبدالوهاب الحسینی قائم مقامی

بقیه از شماره قبل

مطالبی که باید در شرح احوال و دیوان قائم مقام اضافه شود

ص ۱۶ س ۹ در ضمن شرح احوال مرحوم میرزا بزرگ قائم مقام باید
اضافه شود:

ز قد او زمین بگرفت قدر و قیمتی از نو

ز جاه او جهان با فر و زیب و زیور دیگر

یکی فرخنده کاخ افراشت کز عالی بنای او

فراز نه فلک را شد فروزان اختر دیگر

بدان چون اندر آید (کی) بود تاریخ سال او

ز هر آئینه پیدا شود اسکندر دیگر

تاریخ عمارت آئینه فتحعلیشاه ۱۲۱۵

ص ۱۴ س ۱۰ نیز در ضمن شرح احوال مرحوم میرزا بزرگ قائم مقام باید
اضافه شود.

مرحوم فاضل خان گروسی در کتاب انجمن خاقان مرحوم میرزا بزرگ قائم مقام
را بدین عبارات ستوده است که عیناً درج میشود:

هو مؤتمن الدوله العلیه اصل القوام و کل النظام صرف العقل و محض العدل
ابوالحسن عیسی بن حسن الحسینی الفراهانی کافی الکفاة آبای عظام و اجداد کرامش
علی التناوب زیب و ساده سیادت و زینت دست وزارت بوده و وقتی که عم جلیل القدر
نافذ الامرش میرزا حسین و فاتخلص که در این انجمن شطری از احوال و اقوالش بجای
خود ذکر گردید وزیر عراق و فارس شد خدمتش نایب الوزراء و کافل الاماره مدار المهم
منیت الانام بود الی آخر.

ص ۲۰ باید در حاشیه نوشته شود

قتل آقا محمدخان در ۲۵ ذیحجه الحرام سنه ۱۲۱۱ مطابق ۲۲ آوریل سنه ۱۷۹۷ عیسوی اتفاق افتاد و تاریخ قتل او و جلوس فتحعلیشاه از این مصرح استفاده میشود .

ز تخت آقا محمدخان شد بنشست باباخان -

چون فتحعلیشاه اسم جدش فتحعلیخان را داشت از این جهت او را باباخان می گفتند .

درس ۲۳ س ۶ نیز باید در ضمن شرح احوال میرزا بزرگ قائم مقام اضافه شود بعد از (که) .

در زمان حیوة مردم او را پرستیده چنانکه پس از فوت مزارش

ص ۲۴ س ۱ باید اضافه شود .

کبت جهادیه کبیر و صغیر اخیراً بدست آمده

ص ۲۴ س ۱۷ باید اضافه شود

میرزا محمد حسین معروف بمیرزا معصوم

ص ۲۵ س ۶ بعد از (است) باید اضافه شود

اعتماد السلطنه در کتاب مطلع الشمس شرح سنگ قبر مرحوم حاج میرزا موسی خان را چنین نوشته و تاریخ فوت او را ربیع الثانی سنه ۱۲۶۲ تعیین نموده است که عیناً درج میشود .

خان والا رتبه حاجی میرزا موسی که جای

مرغ جاننش را بر اوج سدرها و طوبی بود

زاده آزاده عیسی که دست و کلک او

نایب و قائم مقام عیسی و موسی بود

سرخوش از پیر خرد سال وفاتش جسته گفت

شافع موسی بمحشر زاده موسی بود

۱۲۶۲

ص ۲۶ س ۱۹ باید در ضمن شرح احوال مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام اضافه شود.

مرحوم معصوم علیشاه ملقب بحاج نایب الصدر شیرازی در کتاب طرائق الحقایق جلد سوم

ص ۱۲۴ مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام را بدین عبارات ستوده است که عیناً درج میشود.

میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی ابن قائم مقام اول - میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی بعد از پدر خجسته اختر در حضرت ملک رفعت نایب السلطنه منصب قائم مقامی را بالارث والاستحقاق نایل گردیده و امور مملکت آذربایجان را بانتظام آورد و اهالی آنکشور را مشیر و مشار و با جماعت رؤس بحسن تدبیر سازگار و نعم ماقال و ذاک من القوم الذین هم

اذا مات منهم سید قام سید

بزرگی بود بزرگ منش و فرشته آدمی روش برانشاء نظم و نثر تازی و دری با مهارتی تمام و در ایجاد مضامین بدیعش قدرتی لاکلام بود از علوم عقلی و نقلی نصیبی کافی و از قوانین ادبیه اش بهره وافی و در بازار هنرمندی دکان متاع گرانبهای دانشوری گشوده تصنیفات فصیحش رافعانه بجان طالب و تألیفات بلیغش را بشوق تمام راغب و با کمال حشمت و جاه اکثر بصحبت گوشه نشینان مایل و دست جودش بر مسکینان پیوسته شامل و چنان معرف است که آن مرحوم در تحریر رسیده صنعتی غریب و عجیب داشته چنانکه نامه را از نهایت شروع نموده کلمه بکلمه بطریق قهقرا ابتدایت میزساند و ابدأ در ترکیب کلمات و نظم سطور و بیان مطلب با آنچه از آغاز بانجام مکتوب شود صاحبان هوش را تفرقه ممکن نبودی.

بعد از آنکه نایب السلطنه برحمت یزدان نائل شد امورات شاهنشاه میروور متعلق بوی بود و چون خاقان مغفور در اصفهان تخت سلطنت را تحت الارض قرار داد در رکاب شاهی از آذربایجان وارد دارالخلافه گردید و چندی باستقلال وزارت بلکه صدارت ایران بکف اقتدار معظم له بود.

طولی نکشید که طبع مبارک قطب السلاطین رنجیده وامورات رنگی دیگر گرفت و در سنه ۱۲۵۱ روانش بعالم باقی روانه گردید و آنجناب را اشعار خوبست و تخلص ثانی مینماید و این بیت خوشه از آن خرمن است .

ص ۲۷ س ۱۲ در ضمن شرح احوال مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام باید اضافه شود .

مرحوم فاضل خان گروسی در شرکت انجمن خاقان انجمن سوم ضمن ذکر شعرای ملتزمین رکاب فتحعلیشاه مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام را بدین عبارات ستوده و چون تألیف کتاب مذکور در زمان فتحعلیشاه و در سنه ۱۲۳۴ مطابق سنه ۱۸۱۹ عیسوی بوده لذا در موضوع خاتمه احوال و قتل آن مرحوم چیزی ننوشته است مشیر - هونجم الزمان و فردالدوران حفظ العصر و ضبط الدهر نفس الادب و فخر العرب ابوالمکارم میرزا ابوالقاسم بن عیسی بن حسن الحسینی الفراهانی

ورث الوزارة کابر أعن کابر کالمرح انبونا علی النبوب

پس از آنکه بسعی والد - جد همام جناب میرزا بزرگ قائم مقام که در حرف بیا موحده آثار و احوالش ذکر شد در علوم ادبیه غریبه و فنون حکمته الهیته از ابنای زمان و اذکای اقران بمرتبه اعلی و منزله اقصی ممتاز گشت شرف دولت و سعادت تربیت حضرت شاهنشاهی و فیض صحبت و برکت مجالست ادبای درگاه رادک کرده بقوت ذهن صافی و ضبط حفظ کافی در کم روزگار و اندک مدت حاوی واردات نظامی و جامع مشاورات نثری آمده در جمع اصحاب و خیل کتاب که هر یک کلنجم یشرق

والشمس یسطح جنابش بسلامت چاهه ورساقت خامه کالبدر یعلو والشمس یشرف
واضحضرت دارای سخن شناس بجزای هرمدحتی خدمتی و بیاداش هرغزلی عملی یافته
همچنان مدت دوازده سال در آستان اقبال باشرفی ییزوال نشرکمال و جلب جلال
همیکرد تا وقتیکه برادر نیکوسیر بسندیده اثرش میرزا حسن که وزیر مصدق تدبیر
حضرت اعتضادالدوله العلیه نایب خلاقه الهیه بود.

غاضت انامله و هن لجور وحسب مکامد و هن سعیر
خر جوابه ولکل باک حوله صعقات موسی یوم دک الطور

بالتماس حضرت ولیعهد منصور و استدعای پسر شکسته رنجور با خلعت
وزارت بصورت از آستان خسروی مهبجور شده و بکنایت امور خدمت ولیعهدی
مسرور .

نجوم سما کما غاب کوکب بدا کوکب تهوی الیه کواکبه
در مملکت آذربایجان نیز در تربیت اصحاب بینش و تقویت ادب دانش و
تکمیل کتاب وتصحیح اعراب چندان مبالغه فرموده که هر ابکم غبی احمد متنبی شده
دهراخرس ناوی فیروز آبادی .

درسال تحریر این خجسته تألیف خدمتش بانجام مطالب وانجاح مآرب و یغفام
فرايض و ایصال عرایض از خدمت نایب الخلافه بدر بان خلافت آمده شبی بمضیف سید
شریف ملک الکتاب میرزا محمد مهدی عشرت تخلص سالف الذکر اندراجتماع ادباء
واتفاق شعراء ازفنون نگارش همی گفتند تا سخن بسهولت افراد وصعوبت انواع آن
کشید اتفاق بر آنشد که بقلب وعکس ادای مقصود بدانسان که بنظم و طبع اصعب
انواع است و اگر توان اشرف انواع جنابش در جواب غریزی که برقه راه آورد
آذربایجان را مستدعی چند جامه خز و مستعطی چند گریز شده صفحه برداشت در
بین روایت ایات و انشای اختلاف اصوات و مسمع جمع ملکوت در کم مدت باحسن نظام
ازانجام باغز برود از خاتمه بفاتحه آورد روایت آن سحر حلال و قرائت آن آنحکمت

بیانرا کما جرت به العاده از جمع یاران فقیر مختار افتاد الحق آنچه آنشب در آن رقعہ از نظم سطور و ربط فصول با کثرت محل و ظلمت محفل از جنابش مشهود و مسموع شد از فحول نگارندگان عرب و عجم و دانندگان اسرار رموز ادب در حجره فحلی بالطبع فحلی بالسمع تا آنشب نه ملحوظ بشر شده و بر آنم که نه مقدور بشر.

فردا قصه سحر منتشر و حدیث این معجز منشر گشت بتوسط امیر کبیر اعلم اعظم زین الامراء ذخر الادباء فخر الدوله حاجی محمد حسین خان قاجار در پیشگاه عزیز معروض افتاد بصله این مکتوب و ابداع این اسلوب بمجبره مرصع بجواهر درخشان دیواقیت رخشان که پی گزاف گنجایش آلف داشت محسود اقران شد الی آخر.

نگاره عبدالوهاب الحسینی قائم مقامی گوید که از این قرار معلوم گردید که مرحوم قائم مقام در ابتداء مشیر تخلص داشته و بعداً ثنائی را اختیار کرده است.

ناتمام

تحلیل موی سپید

یار موی سپید دید و گریخت

بزدلی دلش نو آموز است

آری از صبح دزد بگریزد

گر پی جان سلامت اندوز است

گرچه مویم سپید شد بی وقت

سال عمرم هنوز نو روز است

شب کوتاه که صبح زود دمد

نه نشان درازی روز است؟

خاقانی